Journal of Spiritual Health

2026, Volume 5, Issue 2
Pages: 945-953
10.30491/JSH.5.2.945

Spiritual Health in the Age of Artificial Intelligence: A Theoretical Reconsideration of the Relationship Between Humans, Meaning, and Technology

Mohammad Heydarifard [1*]

[1] *Department of Islamic Education, Faculty of Basic and Applied Sciences, Kermanshah University of Technology, Kermanshah, Iran*

Abstract

Background and Aim: The rapid advancement of artificial intelligence (AI) technologies has raised profound questions regarding human identity, self-understanding, and existential status in the contemporary world. Within this context, spiritual health, as a foundational dimension of human existence, faces novel theoretical challenges, as most prevailing models presuppose unmediated, autonomous human agency and fail to account for technological existential mediation. Grounded in an Islamic paradigm, this study aims to examine the relationship between spiritual health and AI developments and to propose a theoretical framework for its redefinition within algorithmic ecologies.

Methods: This study adopted a theoretical-conceptual approach utilizing critical analytical and reflexive methods. Accordingly, key concepts related to spiritual health in Islamic scholarship, Tawhidic anthropology, and the existential implications of AI were systematically analyzed and conceptualized.

Results: Findings indicate that AI, transcending mere computational utility, mediates cognitive, perceptual, and hermeneutic processes, thereby eroding human contemplative reasoning (*Ta'aqqul*) and diminishing the capacity for spiritual mindfulness (*Tadhakkur*). The pivotal concern of spiritual health in the AI era shifts from merely securing a psychological sense of meaning to preserving "Tawhidic agency" and active engagement within the sovereign realm of the self. Consequently, this study introduces "spiritual discernment" (*Furqan*), the capacity to distinguish truth from algorithmic simulations, and "digital self-vigilance/accounting" (*Muraqaba and Muhasaba*) as core pillars of spiritual health, while conceptualizing "existential offloading" as a fundamental risk to genuine human agency.

Conclusion: In the era of AI, spiritual health does not entail passive withdrawal or outright technological rejection, but rather reclaiming agency, safeguarding innate human nature (*Fitrah*), and pursuing the wholesome life (*Hayat Tayyibah*) amidst intelligent tools. The primary theoretical contribution of this study lies in shifting the locus of spiritual health from "psychological sense-making" to "safeguarding human dignity, hermeneutic autonomy, and the divine trust"—an approach that opens new horizons in interdisciplinary studies of spiritual health, Islamic anthropology, and the theology of technology.

Keywords: Spiritual Health, Artificial Intelligence, Tawhidic Agency, Existential Offloading, *Hayat Tayyibah* (Wholesome Life), Islamic Anthropology.

[*]Corresponding author: **Mohammad Heydarifard,** Email: m.heydarifard@kut.ac.ir

Received: 7 June 2026 **Accepted:** 20 September 2026

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]

مجله سلامت معنوی
دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵
صفحات: ۹۵۳-۹۴۵
10.30491/JSH.5.2.945

سلامت معنوی در عصر هوش مصنوعی: بازاندیشی نظری در نسبت انسان، معنا و فناوری

محمد حیدری‌فرد[1*]

[1] *گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم پایه و کاربردی، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران*

چکیده

زمینه و هدف: رشد شتابان فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، پرسش‌های جدیدی درباره هویت، خودفهمی و وضعیت وجودی انسان در جهان معاصر پدید آورده است. در این میان، سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد بنیادین حیات انسان با چالش‌های نظری تازه‌ای مواجه شده است؛ چرا که غالب الگوهای موجود، بر پیش‌فرضِ کنشگریِ بی‌واسطه و مستقلِ انسان استوارند و توان تبیینِ واسطه‌گریِ وجودیِ فناوری را ندارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نسبت میان سلامت معنوی و تحولات هوش مصنوعی بر اساس پارادایم اسلامی و ارائه چارچوبی نظری برای بازتعریف آن در زیست‌بوم الگوریتمی انجام شد.

روش‌ها: این پژوهش با رویکرد نظری- مفهومی و با بهره‌گیری از روش تحلیل و بازاندیشی انتقادی انجام شده است. بدین منظور، مفاهیم مرتبط با سلامت معنوی در ادبیات اسلامی، انسان‌شناسی توحیدی و پیامدهای وجودی هوش مصنوعی مورد تحلیل و استنتاج مفهوم‌پژوهانه قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که هوش مصنوعی فراتر از یک ابزار محاسباتی، از طریق میانجی‌گری در فرایندهای شناختی، ادراکی و تفسیری، موجب فرسایش «قوه تعقل» و تضعیف «ظرفیت تذکر» در انسان می‌گردد. مسئله محوری سلامت معنوی در عصر هوش مصنوعی، گذار از دستیابیِ صرف به احساس معنا، به حفظ «فاعلیت توحیدی» و مشارکت فعال انسان در ساحت حاکمیتی نفس است. بر این اساس، پژوهش حاضر دو مؤلفه «فرقان معنوی» (توانایی تمییز حقیقت از شبیه‌سازی‌های الگوریتمی) و «مراقبه و محاسبات دیجیتال» را به عنوان ارکان بازتعریف سلامت معنوی معرفی کرده و پدیده «برون‌سپاری وجودی» را به عنوان خطری بنیادین در مسخِ عاملیت انسانی تبیین می‌سازد.

نتیجه‌گیری: سلامت معنوی در عصر هوش مصنوعی نه به معنای مواجهه انفعالی یا نفی فناوری، بلکه به معنای بازپس‌گیری عاملیت، صیانت از فطرت و حرکت در مسیر حیات طیبه در مواجهه با ابزارهای هوشمند است. مهم‌ترین دستاورد نظری پژوهش حاضر، انتقال کانون بحث سلامت معنوی از «احساس معنا یا معناجویی روان‌شناختی» به «صیانت از کرامت، استقلال تفسیری و امانت الهی انسان» است؛ رویکردی که می‌تواند افق‌های نوی را در مطالعات میان‌رشته‌ای سلامت معنوی، انسان‌شناسی اسلامی و الهیات فناوری بگشاید.

کلیدواژه‌ها: سلامت معنوی، هوش مصنوعی، فاعلیت توحیدی، برون‌سپاری وجودی، حیات طیبه، انسان‌شناسی اسلامی.

*نویسنده مسئول: **محمد حیدری فرد.** پست الکترونیک: m.heydarifard@kut.ac.ir
دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۱۷ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]

مقدمه

تحولات فناورانه همواره بر شیوه زیست، الگوهای ارتباطی و ادراک انسان از خود و جهان اثرگذار بوده‌اند؛ با این حال، ظهور هوش مصنوعی را می‌توان از نظر ماهوی، یکی از عمیق‌ترین دگرگونی‌های هستی‌شناختی عصر حاضر دانست. هوش مصنوعی دیگر صرفاً مجموعه‌ای از ابزارهای محاسباتی برای تسهیل امور نیست، بلکه به زیرساختی برای سازمان‌دهیِ تجربه زیسته انسان بدل شده است. این فناوری با نفوذ در حوزه‌های حیاتی همچون آموزش، سلامت، تصمیم‌گیری و تولید دانش، مرزهای سنتی میان فاعلیت انسانی و واسطه‌گری فناورانه را بازتعریف کرده و پرسش‌های بنیادینی را پیرامون هویت، فطرت و جایگاه انسان در جهان پدید آورده است (۱). از این رو، بررسی پیامدهای وجودی و معنوی این تحول، ضرورتی فراتر از تحلیل‌های فنی یا اخلاقی دارد.

پیشرفت‌های شگرف در یادگیری ماشین و سامانه‌های هوشمند، حضور هوش مصنوعی را در تمام ساحت‌های زندگی تثبیت کرده است. امروزه انسان‌ها علاوه بر بهره‌گیری از این سامانه‌ها برای مدیریت امور روزمره، از آن‌ها به‌عنوان «دستیارهای شناختی» و «تصمیم‌یار» استفاده می‌کنند (۲). این روند موجب شده است که هوش مصنوعی از جایگاه یک ابزارِ بیرونی، به عاملی در درون ساختِ تجربه انسانی تبدیل شود. این تحول نه‌تنها شیوه ادراک واقعیت را تحت تأثیر قرار داده، بلکه شرایطِ «تفسیرِ هستی» و «خودفهمیِ انسان» را نیز دگرگون ساخته است؛ به‌گونه‌ای که میان انسان و حقیقت، واسطه‌ای الگوریتمی قرار گرفته است.

در این میان، سلامت معنوی به‌عنوان یکی از ارکان بنیادینِ حیات انسان، به معنای تحققِ انسجام درونی، صیانت از فطرت و حرکت در مسیر حیات طیبه است. با این وجود، غالب نظریه‌های سلامت معنوی در شرایطی تدوین شده‌اند که فناوری‌های هوشمند، نقش میانجی در تجربه وجودی انسان نداشتند. این نظریه‌ها غالباً بر این پیش‌فرض استوارند که انسان، کنشگری بی‌واسطه و مستقل در فرایندهای ادراکی و معناپردازی است. اما گسترش هوش مصنوعی، این پیش‌فرض را با چالشی جدی مواجه کرده است؛ چرا که بخش اعظمی از ساحت‌های حاکمیتیِ نفس –از جمله انتخاب اطلاعات، سازمان‌دهی تجربه‌ها و حتی شکل‌دهی به افق‌های تفسیری– اکنون از طریق سامانه‌های هوشمند میانجی‌گری می‌شود. این وضعیت، خطر بروز نوعی «برون‌سپاری وجودی» را در پی دارد؛ وضعیتی که در آن بخشی از ظرفیت‌های تذکر، تعقل و محاسبهٔ‌النفس به سامانه‌های فناورانه واگذار می‌گردد (۳) و در نتیجه، سلامت معنوی بیش از هر چیز، با مسئله «صیانت از عاملیتِ فعالِ انسان» در برابر سلطه الگوریتمی پیوند می‌یابد.

اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که بخش عمده مطالعات موجود، بر ابعاد فنی، اقتصادی یا اخلاقِ کاربردی متمرکز بوده‌اند، در حالی که تأثیر این فناوری بر «بنیان‌های هستی‌شناختی سلامت معنوی» و جایگاه انسان به‌عنوان «امین الهی» کمتر مورد تأمل قرار گرفته است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که تحولات ناشی از هوش مصنوعی چه چالش‌هایی را برای صیانت از فطرت و سلامت معنوی ایجاد می‌کنند و این مفهوم در جهان هوشمند چگونه باید بر اساس پارادایم اسلامی بازتعریف شود؟ پژوهش حاضر می‌کوشد با ارائه چارچوبی نظری مبتنی بر «فاعلیت توحیدی»، «فرقان معنوی» و «مراقبه دیجیتال»، بستری برای بازاندیشی در مفهوم سلامت معنوی متناسب با شرایط جدید زیست انسانی فراهم آورد.

پژوهش‌های پیشین، سلامت معنوی را در چارچوبی اسلامی و متمایز از رویکردهای سکولار بررسی کرده‌اند. محقق‌داماد (۴)، معنویت را مبتنی بر معرفت و ایمان به غیب، تفسیر توحیدی نظام هستی و هماهنگی اعمال انسان با این مبانی می‌داند. زکوی، مرزبند و جلاهی (۵) نیز با تکیه بر قرآن، سلامت معنوی را در دو ساحت شناخت و رفتار و بر پایه مؤلفه‌هایی مانند توحید، علم، ایمان، عمل صالح و «قلب سلیم» تبیین کرده‌اند. همچنین معارف و اسدی (۶)، ایمان، تقوا، توکل، معادباوری، ذکر، نماز، تلاوت قرآن، دعا و توسل را از عوامل دستیابی به سلامت معنوی دانسته‌اند. کرمی و رحمانی (۷) نیز با بررسی دیدگاه علامه جوادی آملی، سلامت عقیده و عمل صالح مبتنی بر علم صائب را عوامل اصلی سلامت معنوی و شرک و باورهای باطل را از موانع آن معرفی کرده‌اند.

با وجود اهمیت این مطالعات، تمرکز آن‌ها عمدتاً بر تبیین مبانی قرآنی و الهیاتی، مؤلفه‌ها، عوامل و موانع سلامت معنوی بوده و نسبت آن با تحولات فناورانه معاصر کمتر بررسی شده است. پژوهش حاضر، برخلاف مطالعاتی مانند «مدل نوین در برساخت اجتماعی گفتمان سلامت معنوی» (۸) و «بررسی پدیدارشناسانهٔ تعریف سلامت معنوی اسلامی» (۹)، سلامت معنوی اسلامی را در مواجهه با زیست‌بوم هوش مصنوعی بررسی می‌کند. نوآوری این پژوهش در تحلیل پیامدهای انسان‌شناختی و وجودی روندهایی مانند نرم‌افزارهای وابستگی‌ساز، واقعیت مجازی، برون‌سپاری شناختی و خودکارسازی تصمیم‌هاست؛ روندهایی که ممکن است تعقل، تذکر، اختیار، روابط اصیل انسانی و انسجام توحیدی وجود را تضعیف کنند. از این منظر، سلامت معنوی صرفاً احساس آرامش یا معنا نیست، بلکه صی امانت الهی انسان کرامت انسانی، استقلال تفسیری و امانت الهی انسان در جهان هوشمند است.

روش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای نظری– مفهومی است که با استفاده از تحلیل مفهومی و مرور انتقادی هدفمند ادبیات انجام شده است. منابع بر اساس ارتباط مستقیم با سه محور اصلی پژوهش، یعنی سلامت معنوی، مبانی انسان‌شناختی و پیامدهای هوش مصنوعی برای تجربه انسانی، انتخاب شدند. در انتخاب منابع، اعتبار علمی، داوری‌شده‌بودن مقالات، ارتباط مفهومی با موضوع و استفاده از آثار بنیادین نظری ملاک قرار گرفت. جست‌وجوی منابع با استفاده از

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]

کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی شامل «سلامت معنوی»، «بهزیستی معنوی»، «معنویت اسلامی»، «فطرت»، «حیات طیبه»، Spiritual Health، Spiritual Well-being، Artificial Intelligence، Agency و Cognitive Offloading در پایگاه‌های علمی مرتبط انجام شد. منابع تکراری، فاقد اعتبار علمی، غیرمرتبط با موضوع و فاقد اطلاعات کتاب‌شناختی قابل بررسی کنار گذاشته شدند. تحلیل منابع در چهار مرحله صورت گرفت: استخراج تعاریف و مفاهیم کلیدی، شناسایی پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی، مقایسه انتقادی رویکردهای سکولار و توحیدی، و استنتاج چارچوبی برای بازتعریف سلامت معنوی در عصر هوش مصنوعی.

نتایج

مبانی نظری

سلامت معنوی در دهه‌های اخیر به عنوان بعد بنیادین سلامت در گستره علوم زیستی، روان‌شناسی و مطالعات الهیاتی مورد توجه قرار گرفته است. با فرارفتن از انگاره‌های تقلیل‌گرایانه، مشخص شد که سلامت انسان پیوندی وثیق با ساحت‌های وجودی، نظام ارزشی و غایت‌مندی هستی او دارد. با این حال، مفهوم‌پردازی سلامت معنوی در ادبیات علمی معاصر دستخوش یک دوگانگی پارادایمی میان رویکرد انسان‌شناختی سکولار و پارادایم خداباورانه، به‌ویژه دیدگاه اسلامی است؛ رویکردهایی که تفاوت‌های بنیادینی در هستی‌شناسی معنویت و گستره آن دارند.

مفهوم سلامت معنوی در بوته نقد پارادایمی

در رویکردهای روان‌شناختی و اگزیستانسیال سکولار، سلامت معنوی غالباً به عنوان یک سازه ذهنی و توانایی درون‌روانی برای ایجاد انسجام فردی، تاب‌آوری و تجربه ارزش‌های فرارونده تعریف می‌شود که در آن معنویت لزوماً نیازمند خاستگاه دینی یا امر قدسی نیست (۱۰). در این دیدگاه، انسان به مثابه عاملی «معناساز» تلقی می‌شود که در پیوند با روان‌شناسی مثبت‌نگر، در تلاش است تا از طریق خودفراروی و تفسیر مثبت رویدادها، با اضطراب وجودی و رنج‌های زیستی مواجه شود.

در نقطه مقابل، در پارادایم اسلامی، سلامت معنوی هرگز به «احساس معنا» یا یک حالت انفعالی روان‌شناختی فرونمی‌کاهد. معنویت در اسلام، حقیقتی تکوینی و ریشه‌دار در «فطرت الهی» انسان است؛ از این رو، سلامت معنوی نه برساختن ذهنی معنا، بلکه «کشف حقیقت وجود» و حرکت در مسیر «حیات طیبه» و قرب الی‌الله تعریف می‌شود (۱۱). در این چارچوب الهیاتی، سلامت معنوی محصول سلامت قلب (قلب سلیم) و اعتدال قوا در پرتو عقل قدسی و هدایت وحیانی است که در آن شاخص‌هایی چون ایمان، تقوا، توکل و عبودیت آگاهانه، قوام‌بخش نسبت وجودی انسان با مبدأ و معادند (۱۲). بنابراین، برخلاف رویکرد سکولار که معنویت را ابزاری برای بهزیستی روانی می‌داند، در اندیشه اسلامی، معنویت بنیاد هویت انسانی و غایت تکاملی اوست که سایر ابعاد سلامت جسمی و روانی در پرتو آن جهت می‌یابند.

ابعاد و مؤلفه‌های سلامت معنوی بر مدار الگوی اسلامی

با بازخوانی مؤلفه‌های رایج سلامت معنوی در پرتو انسان‌شناسی اسلامی، منظومه‌ای از عناصر به هم‌پیوسته شکل می‌گیرد که سلامت معنوی را بر پایه تنظیم متوازن «روابط چهارگانه انسان» (رابطه با خدا، خود، دیگران و جهان هستی) سامان می‌دهد:

نخستین مؤلفه، توحیدمحوری و کشف معنای هستی است. در تبیین سکولار، معنا برساخته‌ای ذهنی برای رهایی از پوچی است (۸)؛ اما در دیدگاه اسلامی، معنا در متن آفرینش تعبیه شده و انسان از طریق شناخت توحیدی، نظم حکیمانه و آیات تکوینی الهی، به درک جایگاه خود در جهان نائل می‌شود و رنج و ابتلائات را در افق رشد و صیرورت وجودی بازتفسیر می‌کند (۱۳).

دومین مؤلفه، غایت‌مندی و جهت‌گیری اخروی (هدف) است. فرد برخوردار از سلامت معنوی، حیات را محدود به چرخه ماده نمی‌داند، بلکه با فهم مقام «خلافت الهی»، مقاصد روزمره خود را در راستای سعادت ابدی و قرب حق‌تعالی انتظام می‌بخشد. این غایت‌مندی پایدار، مانع از حیرت، اضطراب و پوچ‌انگاری می‌شود.

سومین مؤلفه، رجاء و وثاقت ایمانی (امید) است. امید در تفکر اسلامی، خوش‌بینی روانی صرف نیست، بلکه ریشه در اعتماد بنیادین به فیض، رحمت واسعه و حکمت الهی دارد (۱۴). چنین رجایی حتی در بن‌بست‌های مادی، به انسان نیروی تحول‌آفرین و تاب‌آوری معنوی می‌بخشد.

چهارمین مؤلفه، تنظیم منظومه ارتباطی (با خلق و طبیعت) است. سلامت معنوی اسلامی در انزوا و فردگرایی محقق نمی‌شود، بلکه در بستر مسئولیت اجتماعی، مودت، ایثار و احساس پیوند با دیگر بندگان خدا و احترام به طبیعت به عنوان مظاهر خلقت الهی عینیت می‌یابد.

پنجمین مؤلفه، تقرب و ساحت قدسی (تعالی) است. تعالی در افق اسلامی صرفاً یک تجربه اوج روان‌شناختی نیست، بلکه گذر از حصر انانیت و خودمحوری به سوی تسلیم آگاهانه در برابر حق و تجلی اسما و صفات الهی در جان انسان است (۱۵).

این مؤلفه‌ها در پیوندی ارگانیک، سلامت معنوی را به مثابه منظومه‌ای توحیدی به تصویر می‌کشند که هسته بنیادین آن «اتصال وجودی به خداوند» است؛ بعدی متعالی که در مواجهه با تحولات فناورانه و عصر هوش مصنوعی، کانون صیانت از مرزهای انسانیت واقع می‌شود.

هوش مصنوعی و چالش‌های نوظهور سلامت معنوی

ظهور هوش مصنوعی را نمی‌توان صرفاً پیشرفتی ابزاری در امتداد توان محاسباتی ماشین‌ها قلمداد کرد؛ این فناوری با ورود به ساحت‌های تفکر، تصمیم‌گیری، تعاملات عاطفی و نظام دانایی، به میانجی بنیادین تجربه زیسته انسان بدل شده است. ازاین‌رو، مسئله محوری تنها نحوه کاربست هوش مصنوعی نیست، بلکه نحوه

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]

صورت‌بندیِ وجودی انسان در زیست‌بوم الگوریتمی است. این دگرگونی مستقیماً بر سلامت معنوی اسلامی اثر می‌گذارد؛ چراکه تحقق حیات طیبه و اعتدال باطنی در بستر تعقل، تذکر و ادراک بی‌واسطه حقیقت شکل می‌گیرد و هرگونه دگرگونی در این مجاری ادراکی، کیفیت اتصال وجودی انسان به مبدأ قدسی را دستخوش چالش می‌سازد.

هوش مصنوعی، دگرگونی شناختی و مخاطرات تذکر و تعقل انفسی

ویژگی متمایز هوش مصنوعی در مقایسه با ابزارهای پیشین، درگیری مستقیم آن با فرایندهای شناختی و معرفتی انسان است. سامانه‌های هوشمند بر خلاف فناوری‌های مکانیکی، کارکردهای عقلانی نظیر تحلیل داده‌ها، ارزیابی گزینه‌ها، مفهوم‌پردازی، حل مسئله و حتی ایده‌پردازی را بر عهده گرفته‌اند (۱۶). پیامد مستقیم این امر، وقوع نوعی «برون‌سپاری شناختی» است که مرز میان معرفت اصیلِ درونی‌شده و داده‌های دسترس‌پذیر الگوریتمی را مخدوش می‌سازد. در این فضا، دستیابی به پاسخ‌های سریع و محاسبه‌پذیر جایگزین سیر تدریجی فهم و تأمل وجودی شده است.

از منظر سلامت معنوی اسلامی، این تحول خطری عمیق‌تر از کاهش کارآمدی ذهنی در پی دارد. در آموزه‌های اسلامی، سلامت معنوی بر پایه «تفکر، تذکر و تعقل» استوار است؛ فرایندی انفسی که در آن انسان در مواجهه با ابهام، رنج و مسئولیت انتخاب، به فقر وجودی خویش پی برده و افق غایی هستی را درمی‌یابد (۶). هنگامی که سامانه‌های هوشمند به مرجع انحصاری تولید معنا و پاسخ‌های بسته‌بندی‌شده تبدیل می‌شوند، فرایند تذکر و مکاشفه باطنی به یک «الگوی مصرف داده» تقلیل می‌یابد (۱۷). در این بستر، انسان به جای سلوک فکری و شهود حقایق توحیدی، به مصرف‌کننده منفعل خروجی‌های آماری و مکانیکی بدل می‌شود.

بنابراین، چالش بنیادین سلامت معنوی در این ساحت، جایگزینی «پاسخ‌های الگوریتمی» با «سیر استکمالی نفس» است. در سنت حکمت اسلامی، شکوفایی حیات طیبه نه در انباشت اطلاعات و دریافت پاسخ‌های فوری، بلکه در تجربه زیسته‌ٔ تفکر در آفاق و انفس و تقرب به حق از مجرای صبر و تأمل ریشه دارد. در عصر هوش مصنوعی، خطر اصلی عبارت است از فرسایش ظرفیت عقلانی و قدسی انسان در ادراک بی‌واسطه مراتب وجود و تبدیل عقل فطری به کارکرد محاسباتی صرف.

تحول در الگوهای ارتباطی و استحاله رابطه با «دیگری»

در منظومه سلامت معنوی اسلامی، ارتباط با دیگری صرفاً ابزاری برای رفع نیازهای عاطفی یا تسهیل زیست جمعی نیست، بلکه یکی از اضلاع چهارگانه تحقق حیات طیبه و بستر تکامل انفسی انسان به شمار می‌رود. انسان در مواجهه با همنوع، مفاهیمی چون ایثار، گذشت، صبر، مودت و مسئولیت اخلاقی را که همگی از شاخص‌های سلامت قلب و کمال معنوی‌اند، تجربه می‌کند. با ظهور و گسترش هوش مصنوعی، برای نخستین بار در تاریخ بشر، گونه‌ای از تعامل فراگیر شکل گرفته است که در آن مخاطب رابطه، فاقد روح انسانی و شرافت وجودی است (۱۸).

سامانه‌های هوشمند با شبیه‌سازی دقیق مهارت‌های کلامی و همدلی صوری، امکان گفت‌وگوی روان و ارائه پاسخ‌های متناسب با انتظارات کاربر را فراهم می‌آورند. این پدیده سبب انتقال تدریجی بخشی از تعاملات روزمره از ساحت انسانی به فضای ماشین–کاربر شده است. پیامد بنیادین این جابه‌جایی، نه دگرگونی در ابزار پیام‌رسانی، بلکه استحاله در بنیاد اخلاقی و انتظارات وجودی از مفهوم «رابطه» است؛ چراکه سامانه‌های هوشمند بر مدار الگوریتم‌های رضایت کاربر و بهینه‌سازیِ شخصی‌سازی‌شده طراحی می‌شوند تا بستری کاملاً هماهنگ، بی‌تنش و منطبق بر امیال فرد پدید آورند (۱۹).

از منظر پارادایم اسلامی سلامت معنوی، این تحول یک چالش وجودی بنیادین ایجاد می‌کند. رشد معنوی و خروج انسان از حصار «انانیت و خودمحوری»، مستلزم مواجهه با «دیگری حقیقی» است؛ انسانی واجد اراده، تفاوت، نقصان و کرامت ذاتی که پذیرش او مستلزم مجاهده با نفس و تحمل رنجِ تعامل اخلاقی است. در مقابل، «دیگری مصنوعی» فاقد استقلال وجودی، ساحت قدسی و تکلیف‌مندی است و همواره در جایگاه خادم و منعکس‌کننده تمایلات انسان باقی می‌ماند (۲۰). غلبه چنین تعاملاتی موجب تضعیف فضائل قلبی چون دگرخواهی و ایثار شده و فرد را به سوی نوعی تک‌گویی انزواطلبانه و خودبسندگی مجازی سوق می‌دهد؛ امری که سلامت معنوی را از بالندگی در شبکه ارتباطات توحیدی محروم می‌سازد.

همراهی دیجیتال و شبیه‌سازی تجربه انسانی؛ چالش اصالت رابطه و حضور وجودی

یکی از تحولات مناقشه‌برانگیز در زیست‌بوم هوش مصنوعی، نفوذ فناوری به ساحت انس، شفقت و حمایت عاطفی است. سامانه‌های همراه دیجیتال با بهره‌گیری از پردازش زبان طبیعی و تحلیل حالات هیجانی، می‌توانند به ابراز احساسات انسان پاسخ دهند، در ظاهر شنونده دغدغه‌ها باشند و نوعی ادراک از «حضور و همراهی» را شبیه‌سازی کنند. این کارکرد در مواجهه با معضلات فزاینده جهان مدرن نظیر انزوای وجودی و فرسایش پیوندهای خویشاوندی و اجتماعی، ظاهراً تسکین‌بخش می‌نماید؛ چه آنکه هوش مصنوعی دسترسی‌پذیری مداوم دارد، عاری از قضاوتگریِ بشری است و ریسک تعارض یا طردشدگی را به حداقل می‌رساند.

با این حال، در حکمت و انسان‌شناسی اسلامی، سلامت معنوی فراتر از تسکین انفعالات نفسانی و دریافت بازخوردهای عاطفیِ شبیه‌سازی‌شده تعریف می‌شود. ارتباط اصیل انسانی صرفاً سازوکاری برای کاهش تنهایی روان‌شناختی نیست، بلکه بستر شکوفایی فضائل والای ایمانی چون «مودت، رحمت، غم‌خواری و ایثار» است (۲۱). در پیوند حقیقی میان دو انسان، فرد با

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]

محدودیت‌ها، رنج‌ها و آسیب‌پذیری‌های همنوع خویش مواجه می‌شود؛ این رویارویی اخلاقی و وجودی، نفس انسان را از تنگنای خودشیفتگی رهانیده و زمینه معرفت به نفس و ادراک عمیق‌تر از غایت زیست مؤمنانه را فراهم می‌سازد (۲۲).

علاوه بر این، گسترش تعاملات شبه‌انسانی هوش مصنوعی، ابعاد بنیادین تجارب انسانی همچون «خلوت معنوی» و «حضور قلبی» را دچار اعوجاج ساخته است. در فضای تعامل پیوسته با عامل‌های مصنوعی، نوعی توهمِ اتصال شکل می‌گیرد که با وجود بسامد بالای تعاملات، نه تنها عطش فطری انسان به تعالی و ارتباط حقیقی را سیراب نمی‌کند، بلکه به تعمیق تنهایی باطنی و غفلت از مبدأ هستی می‌انجامد؛ چراکه کیفیت پیوند، در گرو «اصالت حضور و نفخه روح» در طرفین رابطه است.

بدین‌ترتیب، چالش اساسی سلامت معنوی در این عرصه، مرزبندی میان «رابطه اصیل متکی بر کرامت و حقیقت انسانی» و «شبیه‌سازی مکانیکی و بی‌روح از رابطه» است (۲۳). شیفتگی و وابستگی عاطفی به سامانه‌های هوشمند، پتانسیل وجودی و قوای قلبی انسان را در چرخه‌ای از شبیه‌سازی‌های مجازی مستهلک می‌سازد؛ امری که با تهی‌سازی باطن انسان از انس حقیقی با خدا و خلق، بنیان‌های سلامت معنوی را به مخاطره می‌افکند.

پیامدهای انسان‌شناختی؛ بازتعریف معرفت‌النفس، هویت فطری و نسبت با امر قدسی

بنیادی‌ترین ساحت مواجهه با هوش مصنوعی، دگرگونی در سیمای انسان‌شناختی و درک بشر از حقیقت وجودی خویش است. در حکمت اسلامی، کمال و سلامت معنوی انسان در گرو «معرفت‌النفس» به مثابه مدخل معرفت ربوبی، و ادراک فقر ذاتی وجودی در پیشگاه غنی مطلق تعریف می‌شود. اما دستیابی ماشین‌ها به کارکردهای پیچیده محاسباتی و تصمیم‌گیری، پنداره‌های رایج درباره تمایزات انسان و ابزار را دگرگون ساخته و انسان را در بازتفسیر جایگاه وجودی و غایت‌شناختی خود با چالش مواجه کرده است.

نخستین چالش در این ساحت، وساطت الگوریتم‌ها در تکوین لایه‌های خودآگاهی است. سامانه‌های داده‌محور با رصد پیوسته رفتارها، تمایلات و واکنش‌های فردی، الگوهای ترجیحی و گزینش‌های آتی او را شکل داده و هدایت می‌کنند (۲۴). این امر سبب ظهور پدیده‌ای موسوم به «هویت الگوریتمی» می‌گردد؛ هویتی متکی بر داده‌های رفتارگرایانه که در آن، خودتفسیرگریِ اصیل و شهود باطنی انسان، تحت‌الشعاع برچسب‌ها و تحلیل‌های کمی قرار می‌گیرد. پیامد مستقیم این روند، حجاب‌گرفتگی هویت فطری و غفلت از ساحت ملکوتی نفس است که در آن، خودآگاهی حضوری و مجاهده درونی جای خود را به بازنمایی‌های تقلیل‌یافته دیجیتال می‌دهد.

از سوی دیگر، این دگرگونی، نسبت انسان با «امر قدسی و توحید افعالی» را دچار اعوجاج می‌سازد. در بینش توحیدی، سلامت معنوی مبتنی بر ادراک «فقر وجودی» و تعلق محض انسان به مبدأ غیبی است. با این حال، توانمندی فزاینده هوش مصنوعی در حل مسائل، کنترل متغیرها و پاسخ‌گویی به نیازها، توهم «خودبسندگی فناورانه و استغنای کاذب» را در روان مدرن تقویت می‌کند (۲۵)؛ توهمی که در بیان قرآنی، ریشه در طغیان ناشی از گمان استغنا دارد «كَلَّا إِنَّ الإِنسانَ لَيَطغى أَن رَآهُ استَغنى» (علق/ ۶،۷). در چنین اتمسفری، امر قدسی به تدریج از کانون زیست خارج شده و فهم انسان از کمال و سعادت، در چارچوب اصالت کارایی و محاسبات ابزاری منجمد می‌گردد.

با این همه، این چالش به معنای تضاد ذاتی فناوری با ساحت قدسی نیست؛ بلکه ضرورت بازآرایی مرزهای وجودی انسان در عصر سایبرنتیک را برجسته می‌سازد. انسان معاصر بیش از هر زمان محتاج بازشناسی محدودیت‌های تکوینی خود در برابر الوهیت نامحدود حضرت حق و تفکیک میان «قدرت ابزاری» و «حقیقت وجودی» است؛ چراکه سلامت معنوی حقیقی دقیقاً در نقطه تذکر به این فقر ذاتی و گشودگی به افق غیب و امر متعالی جوانه می‌زند (۲۶).

جمع‌بندی بخش دوم

آنچه هوش مصنوعی را به موضوعی کانون‌ساز در عرصه سلامت معنوی مبدل می‌سازد، نه صرفاً ابعاد فنی و کارکردهای ابزاری آن، بلکه توانایی آن در بازپیکربندی بسترها و مولفه‌های مقوم «معنا، هویت، ارتباط و تجربه وجودی انسان» است. این فناوری با ورود جسورانه به قلمروهای اختصاصیِ عقلانیت، عاطفه، مناسبات میان‌فردی و معرفت‌النفس، مفروضات اساسی روان‌شناسی سلامت و رویکردهای تک‌ساحتی به معنویت را با انقباض و دشواری مواجه ساخته است (۲۷). در این زیست‌بوم نوپدید، پرسش بنیادین از تأثیرگذاری ساده فناوری فراتر رفته و به چگونگی صیانت از «حیات طیبه»، «اصالت رابطه توحیدی» و «امکان عروج و تعالی روح» در جهانِ آکنده از واسطه‌گری دیجیتال معطوف شده است.

در نتیجه این تحلیل، آشکار می‌گردد که الگوهای رایج سلامت معنوی –به‌ویژه نظریه‌های سکولار که معنویت را به سازوکارها و احوالات روان‌شناختی یا معناجویی‌های خودبنیاد تقلیل می‌دهند– از تبیین ژرفای چالش‌های وجودی انسان در عصر هوش مصنوعی ناتوان‌اند. این نارسایی، ضرورت فارغ‌شدن از رویکردهای انفعالی و بازاندیشی در بنیان‌های سلامت معنوی بر پایه انسان‌شناسی توحیدی و حکمت اسلامی را پیش از پیش عیان می‌سازد؛ ضرورت مدونی که راه را برای صورت‌بندی چارچوبی جامع، اصیل و پاسخ‌گو به الزامات این عصر هموار می‌کند؛ موضوعی که در بخش بعدی مقاله به تبیین دقیق آن پرداخته خواهد شد.

بازتعریف سلامت معنوی در عصر هوش مصنوعی: از معناجویی روان‌شناختی به صیانت از فاعلیت توحیدی

ورود هوش مصنوعی به زیست‌بوم بشری، شرایط امتناع یا تحقق تجربه معنوی را دستخوش دگرگونی بنیادین کرده است. در نظریه‌های کلاسیک و سکولار، انسان صرفاً کنشگری خودبنیاد

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]

برای ساخت افق‌های معنایی تلقی می‌شد؛ اما در پارادایم اسلامی، سلامت معنوی بر پایه «فاعلیت توحیدی» و سیر اختیاری انسان به سوی کمال مطلق تبیین می‌گردد. در جهان هوشمند که ابعاد گوناگون ادراک، انتخاب و حافظه انسان تحت واسطه‌گری فناوری قرار گرفته است (۲۸)، مسئله محوری سلامت معنوی دیگر صرفاً دست‌یابی به یک «احساس معنا» یا «تسکین روان‌شناختی» نیست، بلکه صیانت از «اراده آزاد، عقل فطری و فاعلیت توحیدی» انسان در مسیر عبودیت و غایت‌شناسی وجودی است.

بر این اساس، چارچوب نظری پیشنهادی، دو مؤلفه نوظهور را در مرکز بازتعریف سلامت معنوی اسلامی در عصر هوش مصنوعی قرار می‌دهد:

۱. «فرقان معنوی و عقلانیت نقادانه»: توانایی سنجش و تمیزِ معرفتی در مواجهه با انبوه داده‌ها و روایت‌های دیجیتال. در عصر کثرت روایت‌های گمراه‌کننده و بازتولید ماشینیِ آموزه‌ها، مسئله اصلی نه فقدان پیام، بلکه فقدان «قوه فرقان» برای تمیز حق از باطل و ارزیابی تراز دیجیتال بر مبنای معیارهای توحیدی است (۲۹). انسان مؤمن در این محیط، ایستانشینِ انفعالی القائات الگوریتمی نیست، بلکه با استمداد از عقل فطری و وحیانی، فعالانه به نقادی منابع معنا می‌پردازد.

۲. «مراقبت و محاسبهٔ‌النفس دیجیتال»: صورتی نوپدید از سنت اصیل خودشناسی و مراقبت در حکمت اسلامی. اگر در سنت اسلامی مراقبت از نفس بر پاییدن خطورات قلبی و تمایلات درونی استوار بود، انسان معاصر علاوه بر آن، نیازمند آگاهی حضوری و مستمر نسبت به نحوه تصرف الگوریتم‌ها و داده‌ها در شکل‌دهی به ادراکات، حافظه و گرایش‌های خویش است. در این نگاه، خودشناسی از تاملات انتزاعی فراتر رفته و شامل هوشیاری نسبت به سازوکارهای فن‌سالارانه‌ای است که حیات معنوی و قلبی او را نشان رفته‌اند.

از منظر انسان‌شناسی اسلامی، الگوریتم‌های هوشمند اگرچه توان بالایی در پردازش اطلاعات و الگویابی رفتاری دارند، اما فاقد «روح، فطرت الهی، عقل عملی و سرنوشت اخروی» هستند؛ ظرفیت‌هایی که مقوم اصلی «حقیقت انسانی» و قدرت «خودتفسیرگری توحیدی» به شمار می‌روند (۳۰).

خطر اساسی در این میان، ظهور «استحاله و برون‌سپاری وجودی» است؛ فرایندی که در آن انسان، ساحت‌های حاکمیتی نفس همچون تعقل، قضاوت اخلاقی، تذکر و حتی خلوتِ سیر و سلوک خود را به ابزارها واگذار می‌کند. در چنین وضعیتی، چالش آینده کمبود داده نخواهد بود، بلکه افول توانِ «تذکر، تفکر و حضور قلبی» انسان است (۳۱). از این رو، برجسته‌ترین دستاورد نظری این چارچوب، گذار از «توصیف انفعالیِ احساس معنا» به «جهاد تبیین و صیانت از کرامت و امانت الهی انسان» است؛ بازتعریفی که کانون سلامت معنوی را بر حفظ توانایی انسان برای تعقل، اراده آگاهانه و بازسازی فطری خویشتن در بستر فناوری‌های هوشمند استوار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تحلیل نسبت میان سلامت معنوی و هوش مصنوعی نشان داد که چالش بنیادین عصر حاضر، نه صرفاً گسترش ابزارهای محاسباتی، بلکه دگرگونی در ساختار «تجربه وجودی» و شرایط تفسیر انسان از خویشتن، جهان و حقیقت است. یافته‌های این مطالعه تبیین می‌کند که بسیاری از الگوهای سنتی سلامت معنوی که بر معناجویی فردی و روان‌شناختی متمرکز بودند، در مواجهه با واسطه‌گری عمیق فناوری، از توان تبیین ضرورت‌های جدید مرتبه «حیات طیبه» بازمی‌مانند.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که تهدید اصلی در عصر هوش مصنوعی، نه کمبود معنا، بلکه فرسایش «قوه تعقل» و کاهش مشارکت فعال انسان در فرایند فهم و تفسیر هستی است. گسترش سامانه‌های هوشمند، امکان نوعی «برون‌سپاری وجودی» را فراهم آورده است؛ وضعیتی که در آن بخشی از ساحت‌های حاکمیتی نفس ـ از جمله ادراک، تصمیم‌گیری، یادآوری و حتی تأملات قلبی ـ به سامانه‌های فناورانه واگذار می‌گردد. ازاین‌رو، سلامت معنوی بیش از آنکه با مسئله دسترسی به اطلاعات یا مفاهیم مواجه باشد، با صیانت از «ظرفیت تذکر»، «خودتفسیرگری توحیدی» و «حفظ عاملیت فعال انسان» در مسیر تعالی ارتباط دارد.

بر این اساس، چارچوب نظری پیشنهادی این پژوهش، با معرفی دو مؤلفه «فرقان معنوی» و «مراقبه و محاسبه دیجیتال»، بر ضرورت بازپس‌گیری فاعلیت انسانی تأکید می‌ورزد. در این الگوی نوین، انسان مصرف‌کننده منفعل روایت‌های الگوریتمی نیست، بلکه باید با بهره روایت‌های الگوریتمی نیست، بلکه باید با بهره‌گیری نقش خود را در بازسازی آگاهانه هویت فطری و صیانت از افق‌های معنایی متعالی ایفا کند.

در نهایت، مهم‌ترین دستاورد نظری این پژوهش، گذار از رویکرد «تسکین‌گرایانه و معناجویانه» به رویکرد «صیانتی و وجودی» در حوزه سلامت معنوی است؛ یعنی انتقال کانون بحث از «احساس معنا» به «صیانت از کرامت و امانت الهی انسان در جهان هوشمند». این پارادایم می‌تواند افق‌های نوینی در مطالعات سلامت معنوی، انسان‌شناسی اسلامی، الهیات و اخلاق فناوری بگشاید.

بااین‌حال، این پژوهش ماهیتی نظری و تحلیلی دارد و یافته‌های آن بر داده‌های تجربی یا سنجش‌های میدانی استوار نیست؛ بنابراین، تعمیم مستقیم نتایج آن به گروه‌های مختلف اجتماعی نیازمند احتیاط است. همچنین، مفاهیمی مانند «برون‌سپاری وجودی» و «فرقان معنوی» نیازمند عملیاتی‌سازی و آزمون تجربی در پژوهش‌های آینده‌اند. پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی با روش‌های کیفی و کمی، تجربه کاربران از هوش مصنوعی، تغییرات عاملیت و تذکر معنوی، و نسبت میان استفاده از سامانه‌های هوشمند و

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]

مؤلفه‌های سلامت معنوی را بررسی کنند.

از نظر عملی، چارچوب پیشنهادی می‌تواند در آموزش، از طریق تقویت سواد دیجیتال انتقادی، تفکر مستقل و مراقبه دیجیتال؛ در روان‌درمانی، از طریق توجه به پیامدهای وجودی و معنوی وابستگی فناورانه؛ و در سیاست‌گذاری سلامت، از طریق تدوین دستورالعمل‌هایی برای استفاده مسئولانه، انسان‌محور و معنویت‌حساس از هوش مصنوعی مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب، این پژوهش بستری برای مطالعات آتی درباره حفظ اصالت وجودی انسان در مواجهه با فناوری‌های هوشمند فراهم می‌آورد.

تشکر و قدردانی: نویسنده بر خود لازم می‌داند از دانشگاه صنعتی کرمانشاه به‌دلیل فراهم ساختن بسترهای علمی، آموزشی و پژوهشی لازم برای انجام این مطالعه قدردانی نماید.

تضاد منافع: نویسنده تصریح می‌کند که هیچ‌گونه تضاد منافعی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

منابع

1. Dwivedi YK, Kshetri N, Hughes L, Slade EL, Jeyaraj A, Kar AK, et al. “So what if ChatGPT wrote it?” Multidisciplinary perspectives on opportunities, challenges and implications of generative conversational AI for research, practice and policy. International Journal of Information Management. 2023;71:102642.
2. Sajja R, Sermet Y, Cikmaz M, Cwiertny D, Demir I. Artificial intelligence-enabled intelligent assistant for personalized and adaptive learning in higher education. Information. 2024;15(10):596.
3. Bar-Gil O. The Google self as digital human twin: implications for agency, memory, and identity. AI & Society. 2026;41(4):3027-42.
4. Moqegh-Damad SM. Spiritual components of health in Islamic theology. Medical Ethics Journal. 2012;4(14). [In Persian]
5. Zakavi AA, Marzband R, Jalahi H. A study of humanistic foundations of spiritual health in the qur’an. Journal of Quranic Knowledge. 2013;4(12): 47-60.
6. Maaref M, Asadi F. The factors of achieving spiritual health from the perspective of the Qur’an and the Hadith. Insight and Islamic Training. 2017;14(41):9-40. [In Persian]
7. Karami M, Rahmani A. Factors and Barriers to Spiritual Health from the Viewpoint of Allameh Javadi Amoli. Revelatory Ethics. 2020;10(1):5-37.
8. Akhlasi I. A Modern Model in Social Construction of Spiritual Health Discourse. Journal of health oriented Islamic life style. 2018;1(1):41-56. [In Persian]
9. SSafara M, Sadidpour SS. A Phenomenological Study of the Islamic Spiritual Health Definition. Journal of Research on Religion and Health. 2025;11(2):67-78. [In Persian]
10. Hooker SA, Lianov L, Billock C, Bruce MA, Grinberg R, Jotwani RP, et al. Meaning, purpose, and spirituality in lifestyle medicine and healthcare: a review of current research. American Journal of Lifestyle Medicine. 2026;20(1_suppl):9S-23S.
11. Aarafi A. Macro-Philosophical-Jurisprudential Attitude to the Category of Spiritual Health from the Perspective of Islam. Iranian Journal of Culture and Health Promotion. 2018;1(1):15-9. [In Persian]
12. Peteet JR, Balboni MJ. Spirituality and religion in oncology. CA: a Cancer Journal for Clinicians. 2013;63(4):280-9.
13. Martela F, Steger MF. The three meanings of meaning in life: Distinguishing coherence, purpose, and significance. The Journal of Positive Psychology. 2016;11(5):531-45.
14. Rashad AA, Abaszadeh M. A View to the Religious and Anthropological Principles and some Indicators of Spiritual Health. Iranian Journal of Culture and Health Promotion. 2021;4(3):240-6. [In Persian]
15. Snyder CR. Hope theory: Rainbows in the mind. Psychological Inquiry. 2002;13(4):249-75.
16. Reed PG. Theory of self-transcendence. In Middle Range Theory for Nursing, Fourth Edition. Springer Publishing Company. 2018. pp. 119-145.
17. Dwivedi YK, Hughes L, Baabdullah AM, Ribeiro-Navarrete S, Giannakis M, Al-Debei MM, et al. Metaverse beyond the hype: Multidisciplinary perspectives on emerging challenges, opportunities, and agenda for research, practice and policy. International Journal of Information Management. 2022;66:102542.
18. Safara M, Sadidpour SS. A Phenomenological Study of the Islamic Spiritual Health Definition. Journal of Research on Religion and Health. 2025;11(2):54-66. [In Persian]
19. Safara M, Ghasemi YM, Rezaeinasab A. Reexamining the influential components of spiritual health in human health. Journal of Research on Religion and Health. 2022;8(1):133-46. [In Persian]
20. Turkle S, Potter K. Reclaiming conversation: The power of talk in a digital age. New York: Penguin press; 2015.
21. Kabir Y. Philosophy of Education and Philosophy of Civility on Human and Society. Qom: Bustan Ketab Institute; 2023. [In Persian]
22. Schultz DP, Schultz SE, Maranges H. Schultz's Theories of Personality: Complete Text. Translated by Ganji M. Tehran: Savalan; 2025. [In Persian]
23. Turkle S. Alone Together: Why We Expect More from Technology and Less from Each Other. New York: Basic Books; 2011.
24. Joseph J. The algorithmic self: how AI is reshaping human identity, introspection, and agency. Frontiers in Psychology. 2025;16:1645795.
25. Mirzaei R, Dalir Safaraei Akhgar S. Spiritual crisis in the contemporary world. Knowledge Studies in Islamic University. 2018;22(74):93-112.

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]

[In Persian]
26. Frankl VE. Man's Search for Meaning. Translated by Parsai K. 7th ed. Tehran: Tamadon-e Elmi; 2023. [In Persian]
27. Azarbayjani M. The Model of Spiritual Health in the Holy Qur'an with a Semantic Approach. Islam and Researches about Spirituality. 2023;1(1):7-36. [In Persian]
28. Rees C. The ethics of artificial intelligence. In Unimagined futures–ICT opportunities and challenges. Cham: Springer International Publishing. 2020. pp. 55-69.
29. Mittelstadt BD, Allo P, Taddeo M, Wachter S, Floridi L. The ethics of algorithms: Mapping the debate. Big Data & Society. 2016;3(2): 2053951716679679.
30. Lindemann H. Holding and letting go: The social practice of personal identities. Oxford University Press; 2016.
31. Gerlich M. AI tools in society: Impacts on cognitive offloading and the future of critical thinking. Societies. 2025;15(1):6.

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.5.2.945]